

منزالت و جایگاه وقف در جمهوری اسلامی، چالش‌ها و راهکارها

سید مجتبی سجادی جزی^۱

چکیده

در ادیان الهی، مسئله وقف و صدقه جاریه جایگاه خاصی داشته و در طول تاریخ ایران و در دوره‌های مختلف نیز نمونه‌های مختلفی از سنت وقف و انواع مختلف آن به چشم می‌خورد. منزلت و جایگاه وقف ممکن است با توجه به فرهنگ‌ها و خرده فرهنگ‌ها متفاوت باشد لیکن در دوران کنونی وقف تنها محدود به مقولات مادی نمی‌تواند باشد بلکه در جهت احیا بیشتر سنت حسنه‌ی وقف می‌بایست به مقولات فرهنگی وقف نیز توجه کرد که در این راستا باید تعریف‌ها و حتی باز تعریف‌هایی صورت بگیرد و یا شاید اگر لازم باشد باید آموزش‌هایی نیز در این مورد انجام داد.

اما احیای سنت حسنه وقف و تشویق مردم و متمدولین جامعه به این سنت الهی پس از پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار نظام اسلامی در کشور رنگ و بویی دوباره گرفته است. سنتی که می‌توان با احیای آن در جامعه گره از بسیاری از مشکلات مردم و دردمندان گشود. اما با تمام این اوصاف عدم آگاهی مردم از احکام و موارد وقف و ثمرات آن در جامعه و همچنین عدم انجام تبلیغات متناسب با موضوع موجب گردیده است تا جایگاه و فواید این سنت حسنه علیرغم دارا بودن سابقه‌ای دیرپا در تاریخ در میان مردم مهجور مانده و یا تنها به گروهی خاص از واقفان با نیت خیرخواهانه‌ی شخصی محدود گردد. بنابراین ما در این پژوهش بر آنیم تا با نمود راهکارهایی هر چه بیشتر به ارتقای منزلت وقف در نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران بپردازیم.

کلید واژه :

وقف، جمهوری اسلامی، سازمان اوقاف و امور خیریه، ترویج وقف

۱. مقدمه

وقف به معنای نگه داشتن عقبه شیئی و آزاد کردن منفعت آن است. البته کمی میان علما اختلاف نظر است که حبس اصل مال به معنای این نیست که شیئی از ملکیت صاحبش به ملکیت خدا در می‌آید. وقف به اعتبار موقوف علیهم به وقف عام و خاص تقسیم می‌شود؛ وقف عام همچون وقف برای مساجد و فقرا و وقف خاص بر گروه معینی است مانند اولاد انسان. وقف به اعتبار درآمد آن به وقف انتفاع و وقف منفعت تقسیم می‌شود و اگر هدف از وقف، کسب درآمد نباشد مانند وقف مسجد، وقف انتفاع است و در غیر این صورت منفعت است.

رسول خدا نظام وقف را در شهر مدینه برقرار کرد. پس از این واقعه به پیروی از سنتی که از رسول اکرم صلی الله علیه و آله باقی مانده بود، وقف نقش بسزایی در عمران و آبادی شهرهای اسلامی ایفا کرد.^۲ بدین ترتیب وقف در جهان اسلام

و همزمان با رسالت پیامبر گرامی اسلام تحقق پیدا نمود و متعاقب آن حضرت علی علیه السلام با عمران و آبادانی اراضی بایر و حفر چاه و ایجاد نخلستان، تمامی ثمرات و منافع این اراضی را تحت عنوان وقف در جهت استفاده افراد مستمند قرار دادند و این روش و سیره پسندیده از طرف ائمه اطهار علیهم السلام علما، صالحین، افراد خیر و نیکوکار ادامه یافت.

در ادیان الهی، مسئله وقف و صدقه جاریه جایگاه خاصی داشته و در طول تاریخ ایران روند ویژه‌ای را طی کرده است. در دوران حکومت‌های ایران در قبل از ظهور اسلام هم به مسئله‌ی وقف و نذر توجه می‌شد و به معابد و آتشکده‌ها از جمله آذر گشنسب به عنوان نیاز و به صورت اموال و اشیا هدیه می‌شده است.^۳

۲. وقف در دوران معاصر و جمهوری اسلامی ایران

احیای سنت حسنه وقف و تشویق مردم و متمولین جامعه به این سنت

الهی پس از پیروزی انقلاب اسلامی
و استقرار نظام اسلامی در کشور رنگ
و بویی دوباره گرفته است. سستی که
می‌توان با احیای آن در بین مسلمین
گره از بسیاری از مشکلات مردم و
دردمندان باز کرد و حتی کمک حال
نظام اسلامی نیز بود. اما با تمام این
اوصاف عدم آگاهی مردم از احکام
وقف و ثمرات آن در جامعه و همچنین
عملکرد ضعیف مدیریت موقوفات
در طول سال‌های گذشته باعث شده تا
مردم کمتر علاقه‌ای به وقف اموال خود
داشته باشند و بیش از آن به تشکیل
مؤسسات خیریه بیندیشند. وقف در
روزگار کنونی با توجه به تغییر شرایط
اقتصادی و اجتماعی و نیز بر اساس
آنچه که تعریف نوین جامعه از مناسبات
اقتصادی بدست می‌دهد، دستخوش
تعریفات و تغییرات جدیدی می‌شود
که مناسب با نیازهای کنونی و همسو با
آن باید باشد.

در سال ۱۲۸۹ هجری شمسی برابر
با ۱۳۲۸ هجری قمری قانون وزارت
معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

تصویب شد^۴. البته با گذشت زمان
وزارت فرهنگ و معارف از اوقاف
جدا شد. از دوره مشروطیت به بعد
قانون‌های بسیاری برای چگونگی
اداره‌ی اوقاف وضع گردید که قانون
اوقاف مصوبه سال ۱۳۵۴ از جامعیت
بیشتری برخوردار بود و نظارت و
اختیارات سازمان اوقاف را گسترده تر
ساخت.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی
مراجع قانون گذاری گام‌های مثبتی در
راستای نگهداری و افزایش موقوفات
و اجرای مفاد وقف نامه‌ها برداشتند که
با این تلاش‌ها اقبال عمومی نسبت به
وقف و جلب نظر حاصل گردد. جدای
از مباحث حقوقی که بعد از پیروزی
انقلاب اسلامی در راستای بهبودی
امر مهم وقف و مسایل پیرامونی آن
انجام گرفت خود سازمان اوقاف
نیز همانند دیگر تشکیلات اداری و
ساختاری تغییرات ماهوی پیدا کرد و
شورای انقلاب افزون بر وظایف اصلی
سازمان اوقاف وظایف جدیدی نیز
بدان واگذار که از آن جمله می‌توان

تأمین و اشتغال و زندگی روحانیون و مدرسین و طلاب علوم دینی برادران اهل سنت را در رابطه با فرمان امام امت، امام خمینی علیه السلام نام برد که بدین منظور دفتری به نام دفتر خدمات دینی در تشکیلات سازمان اوقاف پیش بینی گردید. منابع تأمین زندگی روحانیون و مدرسین و مبلغین و روشندان از محل اعتبارات عمومی دولت بوده است.^۵

در باب مسئله‌ی وقف آن چه که می‌بایست تا سرلوحه‌ی مسئولان مرتبط با اوقاف قرار گیرد افزایش اعتماد عمومی و اعتماد سازی در باب اموال وقف است تا واقفان خیر با اطمینان خاطر نسبت به فواید اموال موقوفه بدین امر خیر اهتمام ورزند. نمونه‌هایی از این امر و سنت افزایش مقبولیت مسئولین امور وقف در تاریخ ایران بسیار مشاهده شده است. به عنوان مثال در دوره‌ی صفویه صدر به عنوان مهم‌ترین منصب مذهبی در دولت و دیوان ریاست تمام مقامات مذهبی (مناصب شرعیه) و نیز تصدی تمام موقوفات مذهبی را بر عهده داشت.

به این دلیل تأکید می‌شد که صدر باید فردی سید، فرهیخته و اسوه‌ی رفتاری و مدیری مجرب باشد. صدر در انبوه وظایف شرعی که داشت از قبیل عزل و نصب‌ها و دقت در اجرای احکام اسلام و... متصدی امور اوقاف هم بود و باید مراقبت می‌کرد که موقوفات چه شخصی و چه دولتی به خوبی اداره شوند... وی همچنین مسئول انتخاب و انتصاب تمام اشخاص بود که استحقاق اداره‌ی امور را داشتند. در این دوره نیز برقراری و اعمال ولایت دینی بر امور اوقاف (به دلیل لزوم اذن ولی فقیه یا حاکم شرع در تصرف در تغییر کاربری مواردی از اوقاف در هنگام نیاز)، مشکل دیرینه‌ی نافذ نبودن احکام شرعی را که در عملکرد حکومت‌های گذشته وجود داشت، از میان رفت.^۶

پس از پیروزی انقلاب اسلامی لزوم تجدید نظر در ساختار نهادهای اداره‌کننده‌ی وقف با توجه به نیازهای روز احساس گردید و این‌گونه در ابتدا سازمان اوقاف از وزارت اطلاعات و تبلیغات سابق منفصل و با ایجاد

سازمان حج و زیارت بر اساس مصوبه ۱۳۵۸/۹/۲۴ شورای انقلاب و ادغام آن با سازمان اوقاف، سازمان حج و اداره‌ی اوقاف و امور خیریه زیر نظر وزارت ارشاد اسلامی به وظایف خود ادامه داد.^۷ سرانجام، بر اساس مصوبه شورای عالی اداره‌ی کشور در سال ۱۳۷۰، امور حج از سازمان اوقاف جدا شد و ساختار اداری اوقاف، سازمان اوقاف و امور خیریه نامیده شد.^۸

اما ضمن بیان این مختصر از سرگذشت وقف در این باره می‌بایست به آثار وقف و چالش‌ها و راهکارهای پیرامون آن پرداخت.

۳. نتایج و آثار اجتماعی وقف

وقف را باید از نظر اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جزء مظاهر خاص پیشرفت و رفاه جامعه بدانیم. طبق موازین دینی به کمک وقف، معمولاً ثروت‌ها بعد از چند سالی از خانواده‌ای به خانواده دیگر و از طبقه‌ای به طبقه دیگر انتقال می‌یابد و نوعی تعدیل و تقسیم ثروت پیش می‌آید. این امر در

حقیقت نوعی بیمه اجتماعی است. فقر زدایی یکی دیگر از اهداف مهم وقف است. در این باب احکامی برای حمایت از مستمندان، کمک به نابینایان، زمین‌گیران، از پافتادگان، آوارگان، بچه‌های بی‌سرپرست، ایتم، اسیران، بیماران، سالخورده‌گان، کمک به مقروضان، دور افتادگان از وطن، خون‌بهای مقتول، قتل‌های غیر عمد، ضیافت، شرکت در برداشت، محصول، امدادهای اجتماعی و غیره صادر شده است.

از آنجایی که آثار فردی که بر وقف مترتب است مانند خشنودی خداوند تعالی و تبارک، تهذیب نفس، پاداش اخروی، برکات مادی و... بر کسی پوشیده نیست و تمام مسلمین به رأی عقل سلیم دریافته‌اند که این امر نیک عام‌المنفعه شامل چه برکات فردی می‌باشد، به دلیل دوری از اطاله‌ی کلام بخشی کوتاه به یادآوری مزایای اجتماعی وقف می‌پردازیم.

وقف امر حسنه اجتماعی است که شاید بررسی علت و چرایی ظهور آن به سادگی امکان‌پذیر نیست و نیز

همیشه در ارتباط با باورهای دینی و آیینی اقشار مختلف مردم قرار داشته است. جدای از اعتقادات بی‌کم و کاست اکثریت مردم، باید در نظر داشت که نهادهای دینی و مذهبی، نهادهایی بودند که همیشه با شدت و

واگذار کنندگان تأسیسات شخصی و املاک خصوصی اقدامات خیرخواهانه را از طریق وقف پیگیری می‌کرده‌اند. از ویژگی‌های دیگر این امر مهم اجتماعی عدم اختصاص آن به گروه و دسته‌ی خاصی از طبقات اجتماعی



رقتی در جامعه حضور داشتند و جبل متین اکثریت مردم بودند و در خلال همه اعصار تمدنی رابطه خود را در سطح وسیع و عمیق با افراد انسانی حفظ کرده‌اند. از این جاست که اغلب

بود، هر شخصی که توانایی و دارایی آن اعطا را در خود می‌دید-از غنی و فقیر- بلا استثنا اقدام به این امر مهم را معمول می‌داشت.

حکمرانان و بزرگان دوراندیش و

فرهنگ وقف را خلاصه نماییم می توان به موارد ذیل اشاره نمود.

۳-۱. افزایش اقبال عمومی به ارزش های اخلاق جمعی و معنوی

در سنت حسنه‌ی وقف ارزش های اخلاقی مانند ایثار، فداکاری، برادری و همیاری که در دین مبین اسلام به عنوان دینی انسان ساز که بر فضایل اخلاقی و پرهیز از رذایل تأکید دارد همواره مورد تأکید واقع شده اند.

در برخی از وقف نامه ها مثل وقف نامه‌ی مؤسسه‌ی دارالزهرا علیها سلام^{۱۰} واقفان مفادی را قرار می دادند که به تقویت ارزش های اخلاقی جامعه پرداخته شود.

۳-۲. تقویت حکومت اسلامی و پیشرفت فرهنگی

موقوفات در جهتی قرار دارند که به گسترش عرصه ها متنوع علمی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی حکومت اسلامی می پردازند. واضح و مبرهن است که در گذشته تقویت بنیان های اقتصادی حکومت اسلامی

امرا و فضلا که پایان کار خود را نزدیک می دیدند و زوال ایام ناپایدار عمر را به فراست دریافته بودند و دلبندی و پای گیری چندانی هم به اموال دنیوی نداشتند نام و نشان خود را بدین طریق جاویدان می کردند که نمونه های فراوانی از این وقف نامه ها در کتیبه های مساجد جامع ایران مشاهده می شود. به هر ترتیب می بایست دانست که انگیزه شناسی و بررسی علت یا علت های تصمیمات ظاهراً خیرخواهانه واقفان و نیات حقیقی آنها در هر دوره ای کاری بس دشوار است زیرا سوای از هر دلیلی که بر نیت واقف مترتب بود، حداقل این مهم که شر و فساد را مورد حمایت قرار نمی داد بسیار مورد تحسین بود. به اضافه که نگهداری مدارس، پرداخت هزینه های تحصیلی اهل معرفت و علم، حفظ و مرمت مساجد و تأمین آرامش و رفاه دایمی جماعت های کوچک و بزرگ انسانی و امثال آنها مورد اشاره واقفان می بوده است.^۹ در مجموع چنانچه بخواهیم تنها گوشه ای از فواید و محسنات

در راستای تقویت نظامی این دولت‌ها در مقابل خطرات داخلی و خارجی بسیار مورد توجه بوده است. البته این به معنای آن نیست که عرصه‌های دیگر مورد غفلت واقع می‌شده است بلکه مقصود این است که رشد صنعتی و نظامی و سپس فکری و علمی تربیتی است که شاید بیشتر مورد توجه قرار می‌گرفته است. اما امروزه وقف می‌تواند زمینه‌ی بیشتری را برای تعالی فرهنگی و علمی فراهم کند. در دنیای امروز تقویت حکومت اسلامی در درجه‌ی اول نیازمند تقویت علمی چه در زمینه‌های نظری و چه در زمینه‌های تجربی است... هر دوی این شاخه‌ها پشتوانه‌های مالی فراوانی نیازمندند که وقف می‌تواند می‌تواند بازیگری فعال در این گستره‌ی حمایتی باشد.

۳-۳. کاستن تضادهای طبقاتی و شکوفایی اقتصادی:

همواره در جامعه جریانات ناسالمی وجود دارد که توازن اجتماعی را بر هم می‌زند که علیرغم همه‌ی تلاش‌هایی

که صورت می‌گیرد اما به دلیل تجمع ثروتی که موجبات تمرکز قدرت را نیز فراهم می‌سازد منجر به شکل‌گیری فاصله‌ی طبقاتی در جامعه‌ی اسلامی می‌گردد. وقف به عنوان یک گزاره دینی و نهاد اجتماعی دینی در گسترش عدالت اجتماعی، با ایجادیک منبع درآمدی برای عامه‌ی مسلمین در ایجاد توازن در جامعه قدم بر می‌دارد.

بدیهی است که بهره‌برداری‌هایی که از منافع و درآمدهای موقوفات برای مصارف صنعتی و عمرانی جامعه صورت می‌گیرد می‌تواند به رشد و شکوفایی اقتصادی جامعه‌ی مسلمین که کم‌اهمیت‌تر از رشد سیاسی آن نیست کمک نماید. این روند پیشرفت اقتصادی و رفع نابرابری اجتماعی به فقر زدایی از جامعه نیز منجر می‌شود. وقف از آن جهت که از انباشت سرمایه در دست عده‌ی خاصی از اغنیا در جامعه جلوگیری کرده و سبب تعدیل فاصله طبقاتی میان اقشار مختلف می‌شود، به طور مستقیم و غیر مستقیم در احیا و همچنین توسعه اقتصادی

می تواند نقش مؤثری ایفا کند.

۴. چالش‌های پیشروی وقف

در روزگار کنونی به دلیل بروز برخی مشکلات فرهنگی‌ای که ناشی از بی‌اطلاعی اقشار مردم به مسئله‌ی وقف است متأسفانه شاهد کمرنگ شدن این فرهنگ در میان عامه بوده‌ایم که امید است با اتخاذ تدابیری خاص به این حسنه‌ی اجتماعی بیش از پیش توجه گردد. همچنین دلایل دیگری نیز می‌توان برای این مسئله بر شمرد که اجمالاً به گوشه‌ای از آن‌ها و پیشنهاداتی برای رفع این مشکلات اشاره می‌گردد.

۴-۱. ضعف اطلاع‌رسانی از چگونگی و حوزه‌های مصرف موقوفات از چالش‌های جدی در ترویج و اشاعه فرهنگی وقف در جامعه می‌باشد. نبود آگاهی کافی از اثرات و پیامدهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی این سنت الهی یک از چالش‌های وقف است. اگر کسانی که امکانات وقف را در اختیار دارند از ثواب وقف مطلع

باشند و بدانند که با این کار علاوه بر آبادی دنیایشان آخرت خود را نیز آبادی می‌بخشند، همچنین اطلاع از بهره‌ای که به جامعه می‌رسد و سعادت آیندگان وسیله‌ی این امر تأمین می‌گردد بدون شک اقدام به انجام این سنت حسنه‌ی الهی می‌نمایند.

۴-۲. یکی دیگر از چالش‌های پیش روی ترویج وقف و عمومیت یافتن آن در جامعه این است که برخی از افراد راه مطمئنی برای وقف پیدا نکرده‌اند و نمی‌دانند موقوفه خود را به دست چه کسانی بسپارند و چه کسی را برای به ثمر رسیدن وقفشان متولی کنند.

۴-۳. یکی دیگر از چالش‌های وقف را چالش‌های حقوقی آن تشکیل می‌دهد. بدین صورت که منظور از چالش‌های حقوقی، مباحث قانونی در مورد وقف است که در قانون مدنی و قانون تشکیل سازمان اوقاف و امور خیریه موجود است. مثلاً قانون مدنی تأکید دارد که مال موقوفه حتماً باید عین باشد و این موضوع باعث عدم امکان وقف اموالی که عین نیستند

می‌گردد. عین در مقابل دین به کار می‌رود و منظور همان وجود خارجی هر چیز در عالم ماده می‌باشد. به خاطر همین این عقد از عقود عینی در قانون مدنی یاد می‌شود.

چالش‌های قضایی‌ای نیز که در وقف مطرح می‌شود عبارتند از مواردی که به موقوفات تجاوز می‌شود و موقوفات مورد تصرف و تملک قرار می‌گیرد، همچنین مباحث مربوط به اثبات وقفیت موقوفات و اعاده حقوق موقوفاتی که وقفیت آن‌ها در یک زمانی باطل شده است که عملاً بخشی از موقوفات ما درگیر این چالش هستند در این بخش جای دارد. که البته در تاریخ نمونه‌های بسیاری را از این موارد غصب موقوفات شاهد بوده‌ایم.

علیرغم تعریف زمین وقفی که به زمین‌هایی اطلاق می‌شد که مالکیت آن‌ها به نفع عامه یا یکی از امور خیریه حبس شده باشد و از این نظر مالکیت این‌گونه زمین‌ها تا ابد غیر قابل انتقال می‌شد اما عملاً مانند دیگر انواع املاک و زمین‌ها همیشه در معرض

خطر غصب از طرف حاکمان بود و تاریخ شاهد بسیاری از این غصب‌ها بوده است که البته انگیزه‌های این غصب‌ها نیز متفاوت بود. قدیم‌ترین مورد دخالتی که سراغ داریم عمل عضد الدوله بویه متوفی به سال ۳۷۲ هجری قمری در مورد اوقاف سواد است که مفتشان و ممیزانی بر آن‌ها گماشت و برای هر کدام مبلغ معینی به عنوان وظیفه مقرر کرد^{۱۱}. مورد مشابه دیگر آن است که آل بویه املاکی را که اعراب اشعری قم وقف ائمه و اعقاب ایشان کرده بودند متصرف شدند.^{۱۲}

در روزگار نادر نیز ما شاهد تغییراتی در سازمان اوقاف هستیم و بنا بر قول مشهور این پادشاه افشاری حکم به ابطال وقف نامه‌ها صادر کرد. در عصر نادر شاه افشار ما شاهد رفتار دوگانه‌ای در مورد وقف البته نه در یک برهه زمانی بلکه در دو دوره‌ی حیات سیاسی او شاهد هستیم. در دوره‌ی اول نادر پس از خلع سلاح تهماسب دوم توجه زیادی به نهاد دینی اوقاف داشت چنانچه که می‌دانیم نادر پس از

تکاپوهای خلع سلاح تهماسب دوم، موقوفات زیادی را وقف آستانه‌ی امام رضا علیه السلام کرد.^{۱۳}

یکی از مهم‌ترین اقدامات نادر شاه در دوره‌ی دوم حکمرانی و حیات سیاسی‌اش این بود که برای وصول به اهداف سیاسی دولتش فرمان مصادره‌ی موقوفات و لغو پاره‌ای مناصب نهاد دینی مرتبط با آن را بود که فرمان مصادره‌ی اوقاف را جیمز فریزر در کتاب تاریخ نادرشاه افشار بدین صورت آورده است «نزد روسای آن‌ها فرستاد و سؤال کرد که منافع گزاف اوقاف را به چه مصرف می‌رسانند؟ جواب دادند که به وظایف موقوفه از قبیل وظیفه علما و طلاب و نگهداری مدارس و مساجد و مدارس متعدد می‌رسد و در مساجد هر روز و هر ساعت به فیروزی و اقبال پادشاه و آبادی مملکت دعا می‌کنند، نادر شاه در جواب گفت: به تجربه معلوم شده است که دعاهای شما مستجاب نمی‌شود. زیرا که مدت پنجاه سال ملت در تنزل بوده و بالاخره به واسطه غلبه‌ی دشمن از خارج و

انقلاب داخله، مملکت خراب شده تا اینکه به تقدیر الهی فتح و فیروزی قشون من به استخلاص ایران رسیده و حال هم تمام قشون برای حفظ و عظمت ایران جان خود را فدا می‌کند و این طلاب بیچاره هم یعنی سربازها زیاد بی چیزند و باید به وسیله‌ای رفع احتیاج آن‌ها بشود؛ لذا میل ملوکانه بر این است که تمام املاک موقوفه و منافع آن‌ها ضبط شود و به مصارف قشون برسد.»^{۱۴}

مهم‌ترین و مفصل‌ترین گزارش موجود درباره‌ی مسئله مصادره موقوفات مربوط به موقوفات آستان قدس رضوی و به طور کلی خراسان و موقوفات آن در سایر ولایات است. همان‌طور که گفته شده در دوره‌ی اول حیات سیاسی نادر موقوفاتی را بر آستانه امام رضا بخشید اما پس از دستور همگانی مصادره موقوفات وضع موقوفات این آستانه نیز دچار تغییراتی گشت^{۱۵} و تمامی موقوفات به نفع دیوان ضبط شد. مقایسه درآمد موقوفات آستانه در مشهد نشان می‌دهد

که در آمد آن‌ها در دوران مصادره بیشتر از قبل بوده است. شاید این امر به دلیل اقدامات دولت نادر شاه در زمینه‌ی آبادی مزارع بوده است که منابع همزمان نیز به آن اشاره داشته‌اند. اما از آنجا که برای تعمیر و نگهداری بناهای عمومی و آثار تاریخی از محل درآمد موقوفات استفاده می‌شد و پس از ضبط املاک و اوقاف موقوفه از طرف دولت این منابع سرشار که عایدات جامعه روحانیون را نیز تأمین می‌کرد، پیش بینی‌ای به عمل نیامده بود و اعتباری منظور نشده بود قهراً این بناها رو به ویرانی نهادند و در دوره‌ی نادری نیز کسی در صدد احداث بنای جدید معتبری بر نیامد و یا در تجدید ساختمان آن‌ها که رو به ویرانی بودند بر نیامد. البته بعد از کشته شدن نادر شاه افشار در دوره‌ی علی قلی شاه وضعیت اوقاف به حال اول خود باز گشت.

البته این نمونه‌ای از غضب اوقاف بود که در دوره‌ی افشاری صورت گرفته بود و غرض از بیان این مثال این بود تا اینکه دانسته شود، غضب

ملک وقفی پدیده‌ی نوظهوری نیست و این مسئله در ازمنه‌ی ماسبق نیز رود داده است.

۴-۴. چالش‌های اجتماعی و فرهنگی وقف: مسائل فرهنگی همان اعتماد و اطمینانی است که باید به بحث وقف و کارایی و آثار موقوفات وجود داشته باشد، که اول باید یک تعریف مبنایی برای آن صورت گیرد و سطح اعتماد با معیارهای عینی سنجیده شود، بعد میزان فاصله‌ای که با این مبنا داریم را مشخص کنیم، تا برای نزدیک کردن افکار عمومی به وضعیت مطلوب وقف و موقوفات برنامه‌ریزی عملیاتی انجام دهیم.

چالش‌های کنونی وقف مربوط به خود وقف نیست بلکه به جامعه باز می‌گردد. وقف نباید امری صرفاً دولتی قلمداد شود. وقف باید امری مردمی باشد و دولت می‌بایست تنها ناظر بر مسئله وقف باشد. ائمه اطهار علیهم‌السلام و اصحاب ایشان نیز همواره جزو واقفان بوده‌اند و موقوفات دوره ائمه انحصاراً به موقوفات دوره انزوا و خانه

نشینی آنان مربوط نیست بلکه در زمان زمامداری مسلمین نیز بوده است. پیامبر گرامی اسلام ﷺ و حضرت فاطمه‌ی زهرا و امامان معصومین با گفتار و رفتارشان از وقف اعتبار ویژه‌ای به آن بخشیده‌اند. آنان به تناسب توانایی مالی، تشخیص مصلحت، شرایط و موقعیت‌هایی که داشته‌اند، موقوفاتی را از خود به یادگار گذاشته‌اند؛ موقوفاتی که از لحاظ کیفیت و کمیت در دوره‌ی خود و زمان‌های بعد حتی بی‌مانند بوده است. باغ‌های هفت‌گانه قلعه‌های پهناور، نخلستان قبا و... از موقوفات پیامبر اکرم ﷺ است.

همچنین مسجدها و صحراهای متعدد، زمین‌های وسیع، ده‌ها، باغ‌ها، کشتزارها، خانه‌ها، چاه‌ها و چشمه‌های بسیار از موقوفات امیرالمؤمنین به شمار می‌روند. امیرالمؤمنین آن چاه‌ها را با دستان مبارک خود حفر و سپس وقف می‌کردند^{۱۷}،^{۱۶} به گواهی تاریخ نخستین واقف در صدر اسلام پیامبر اسلام ﷺ بوده است^{۱۸} و هم چنین شمار موقوفات امیر المومنین امام علی عليه السلام بیشتر از

موقوفات دیگران بوده است.^{۱۹} در دوره‌ی زندیه، کریم خان زند نیز قصد داشت مانند صفویه به موقوفات توجه کند ولی موفق نشد. در این دوره با حمایت کریم خان از وقف، موقوفاتی پدید آمد. که مسجد و بازار وکیل از جمله آنهاست. در دوره قاجاریه، وضع اوقاف همچنان آشفته بود و اموال وقفی کم و بیش حیف و میل می‌شد ولی ارزش و اهمیت وقف نزد مردم محفوظ بود. ازین رو مسجد شاه، مدرسه سپهسالار، مدرسه شیخ عبدالحسین که از موقوفات امیر کبیر است و مواردی دیگر از موقوفات آن دوران به شمار می‌آید.^{۲۰}

۵. راهکارهای گسترش فرهنگ وقف

در راستای بهبود فرهنگی وقف می‌بایست تلاش‌هایی جدی صورت بگیرد، هر چند که تاکنون نیز در این مورد تلاش‌هایی بسیار صورت گرفته است، اما در این باره باید مجموعه‌ای از نظرهایی که در این باره ارایه شده

است را می‌بایست جمع‌آوری نمود و از میان این نظرها با نگاهی کارشناسانه به کار جدی پرداخت. حتی لازم است که از طرف سازمان اوقاف مجموعه‌ای با تمرکز بر امور پژوهشی برای بررسی نیازها و روش‌های ترویج و توسعه‌ی فرهنگی وقف ایجاد شود. برخی از راهکارهایی که در این باب مناسب به نظر می‌رسد را می‌توان این‌گونه طبقه‌بندی کرد.

یکی از راه‌های گسترش فرهنگ وقف تبلیغات منسجم و پیوسته است. تبلیغات مناسب در ریشه دواندن این فرهنگ در نسوج فکری مردم یا به تعبیری دیگر در نهادینه کردن امر اخلاقی اجتماعی وقف یکی از روزه‌های عملی است که می‌بایست به آن و تأثیر گذار بودن آن بذل توجه وافر گردد.

۱-۵. بهره‌ورتر کردن موقوفات:

یکی دیگر از کارهایی که می‌بایست در این زمینه صورت بگیرد این است که به بالا بردن بهره‌وری اقتصادی و حتی علمی موقوفات توجه گردد. از

آنجایی که موقوفات فقط موقوفات مادی و مالی نیستند و موقوفات شامل موقوفات فرهنگی نیز می‌شود که اینک ما در گذشته‌ی خود نیز بسیار از این دست موقوفات را شاهدیم. ما در طول تاریخ واقفانی داشتیم که آنان به وقف کتب می‌پرداخته‌اند و در حال حاضر نیز مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای به عنوان یکی از اسوه‌های وقف تا کنون نزدیک به شش هزار نسخه نفیس خطی را به کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی وقف کرده است. کتابخانه‌ی آستان قدس رضوی به دلیل غنای منابع نسخ خطی به عنوان پایگاه فکری جهان اسلام مطرح و روزانه پذیرای بسیاری از پژوهشگران داخلی و خارجی اسلام است. برخی از موقوفات در جای‌هایی قرار گرفته‌اند که اگر برنامه ریزی مناسبی برای آن صورت بگیرد کاربردهایی چند منظوره خواهند یافت که از محل عایدات آن می‌توان در پروار کردن عرصه‌های دیگر از آن‌ها استفاده کرد. بدون شک راهکارهای بسیاری برای بهبود

وضعیت بناهای وقفی و موقوفات وجود دارد اما از مهم‌ترین راهکارها که باید به آن‌ها توجه کرد می‌توان موارد زیر را ذکر کرد:

۱-۱-۵. ایجاد بانک اطلاعاتی و تشکیل و تهیه تصاویر و عکس‌های لازم از بناهای موجود و همچنین بافت شهری موجود، بدون شک کمک شایانی بالاخص به آیندگانی که قصد مرمت بنا را براساس اسلوب اولیه‌شان دارند، می‌کند.

۲-۱-۵. بهینه‌سازی و طبقه‌بندی اسناد وقفنامه‌های موجود کمک زیادی در تسهیل کار پژوهشگرانی که قصد دارند در مورد وقف و بناهای وقفی تحقیق کنند خواهد کرد.

۳-۱-۵. ایجاد هماهنگی و تعامل بین اداره اوقاف و امور خیریه، متولیان، میراث فرهنگی و گردشگری و همچنین سازمان‌های دیگر که به نحوی درگیر امور بناهای ارزشمند وقفی هستند، می‌تواند کمک شایانی در مرمت و بازسازی بنا و بالاخص حفظ آن در بافت شهری نماید.

۴-۱-۵. ایجاد آگاهی متقابل بین واقفان و متولیان امور وقف در مورد ضوابط و مقررات شهرسازی و همچنین شهرسازان و مدیران اجرایی امور شهری از احکام و قوانین شرعی وقف، موجب هماهنگی بیشتر و سرعت عمل در انجام امور موقوفات و حفاظت بهتر از آن‌ها می‌گردد؛ لذا ضروری است که در تهیه طرح‌های جامع و تفصیلی شهری، سرفصل مطالعاتی مشخص و خاصی به بررسی موقوفات شهری اختصاص داده شود.

۵-۱-۵. یکی از مسائل طرح‌های جامع و تفصیلی شهری تأمین هزینه‌ها و اعتبارات طرح‌های عمرانی پیش‌بینی شده است، موقوفات هر شهر یکی از منابع مهم مالی و سرمایه‌های بزرگ جامعه به شمار می‌رود. که چنانچه به صورت صحیحی مورد استفاده قرار گیرند می‌توانند در تحقق بسیاری از اهداف فرهنگی، اجتماعی و کالبدی طرح‌های جامع و تفصیلی شهری مفید واقع شوند بنابراین جا دارد با عدم قرار دادن کاربری‌های غیر انتفاعی به روی

رقبات و موقوفات عملاً بر پیکر بناهای وقفی که نقش مهمی در حفظ بافت شهری دارند زیان وارد نگردانیم. ۲-۵. دادن جهت مناسب به انگیزه‌های واقفان :

تعریف نیازهای روز جامعه برای واقفان و کسانی که میل به انجام این مهم دارند از کارهایی است که می‌بایست تا در این راستا صورت گیرد. در این زمینه می‌توان کلاس‌های توجیهی را برای این افراد برقرار نمود تا اینکه آنان بتوانند و تأثیر گذاری موقوفه‌ی خود را بشناسند و هم اینکه با نگاهی روشن به این امر نزدیک شوند.

۶. نتیجه گیری

وقف یکی از مسایل بسیار مهم در تاریخ سیاسی - اقتصادی و اجتماعی ایران می‌باشد. تأثیر امنیت و آسفتگی وضعیت سیاسی کشور، رونق و رکود اقتصادی و حتی ترقی دانش اجتماعی بر شدت و رقت اعطای اموال به عنوان وقف از مسایل مهمی است که اهمیت در هم تنیده‌ای با نفس امر وقف دارد.

مسئله‌ی وقف تا به آن حد مهم است که در همه‌ی ادوار اداره و کارگزاری خاص برای آن به صورت جداگانه تعیین می‌شده است و همیشه به عنوان مسئله‌ی خاص و مهم و تأثیر گذار در نظر بوده که همزیست با حیات اقتصادی جامعه بود. وقف در زمانی مثل زمان نادر تنظیم کننده‌ی سیاست گذاری‌های کلان می‌شده‌است و در زمانی نیز مانند زمان صفویان بالاترین منصب دینی و دیوانی و شرعی یعنی صدر به رسیدگی امور آن مشغول بوده و اداره‌ی اوقاف از وظایف کلیدی وی بوده است. همه و همه‌ی این مسایل جز تأکیدی اکید بر اهمیت وقف را نشان نمی‌دهد و نشانگر موضوعی مورد اهمیت والا برای اجتماع و اقتصاد است که در هیچ دوره‌ای نباید از پویایی آن مغفول ماند و به عنوانی امری در گذشته به آن نگاه شود.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز در مورد وقف توجهات وافر و مبذول گشته است و نظارت‌های زیادی بر آن اعمال شده است. تا آنجا که سازمان

پی نوشت

۱. مشاور نماینده ولی فقیه و سرپرست سازمان اوقاف و امور خیریه کشور
۲. عثمانی، عبدالستار، محمد، مدینه اسلامی، ترجمه علی چراغی، امیر کبیر، ۱۳۷۶، ص ۸۲.
۳. میراحمدی، مریم، «پژوهشی در موقوفات عصر صفوی»، مشهد، آستان قدس رضوی، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۲۵ صص ۴۸ - ۲۹.
۴. صادقی گلدر، احمد، مقدمه‌ای بر فرهنگ وقف، بنیاد پژوهش و توسعه‌ی فرهنگ وقف، صائین، تهران، ۱۳۸۵، ص ۹۹
۵. سلیمی فر، مصطفی، نگاهی به وقف و آثار اجتماعی - اقتصادی آن، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۰، ص ۹۵
۶. باستانپاریزی، محمدابراهیم، سیاست اقتصاد عصر صفویه، صفیعلیشاه، تهران، ۱۳۷۸، ص ۷۳.
۷. کوندو، نوبوآکی، فهرست مقالات ژاپنی مربوط به اوقاف، مجله وقف، میراث جاویدان، بهار ۱۳۷۹، شماره ۲۹، ص ۱۵۰ و ریاحی سامانی، نادر، وقف و سیر قانونگذاری در موقوفات، نوید، شیراز ۱۳۷۸
۸. کوندو، نوبوآکی، فهرست مقالات ژاپنی مربوط به اوقاف، مجله وقف، میراث جاویدان، بهار ۱۳۷۹، شماره ۲۹، ص ۱۵۰

رسمی مستقلی را تحت عنوان سازمان اوقاف و امور خیریه را برای آن ایجاد نموده که برنامه‌های زیادی را در راه پیشبرد ترویج فرهنگ وقف ایجاد کرده است. اما با وجود این فعالیت‌ها از آنجا که همچنان اعتلای واقعی این امر مهم در نظر همه‌ی دلسوزان جامعه قرار دارد، چالش‌های آن باید به عرصه‌ی نقد کشیده شود و این که به نقد اکتفا نمود و راهکار نیز ارائه گردد.

با توجه به این که وقف مسئله‌ای نیست که تأثیرات فردی و اجتماعی آن محدود باشد لذا شناخت تأثیرات اجتماعی آن امری نیست که حد یقینی برای آن بتوان در نظر گرفت و باید که همواره در کارهای پژوهشی پیرامون آن و برای شناخت ابعاد آن کوشش بسیار نمود. امید است که این مقاله قطره‌ای ازین دریای بیکران را در خود جای داده باشد.

۹. شعبانی رضا، تاریخ اجتماعی ایران در عصر افشاریه، نشر قومس، تهران، چاپ اول ۱۳۷۳، ص ۲۸۸
۱۰. نک: وقف نامه مؤسسه دار الزهرا علیها سلام، منتخبی از موقوفات جدید، مجله وقف میراث جاویدان، بهار ۱۳۷۶، شماره ۱۷-صص ۶۸-۶۷
۱۱. ابن مسکویه، احمد بن محمد، ۴۲۱؟-۳۲۰ هـ. ق، تجارب الامم، برگزیده فارسی، مترجم محمد فضایی، زرین، تهران، ۱۳۶۶، صص ۱۱۳-۱۲۰
۱۲. قمی، حسن بن محمد، (قرن ۴ هـ ق)، تاریخ قم، انتشارات توس، تهران، ۱۳۶۱، ص ۱۹۷
۱۳. وقف نامه‌های آستان قدس رضوی - کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران
۱۴. فریزر، جیمز، تاریخ نادر شاه افشار و مختصری از تاریخ سلاطین مغول در هند، ترجمه ابوالقاسم خان ناصرالملک، تصحیح و نشر علی محمد مجیرالدوله، تهران، ۱۳۲۱ هـ. ق، صص ۸۳-۷۲
۱۵. فاضل بسطامی، نوروز علی بن محمد باقر، فردوس التواریخ، بی نا، تهران، ۱۳۱۵ هـ. ق. شماره صفحه ندارد
۱۶. محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، تهران، نشر مکتبه الاسلامیه، بی تا، ج ۱۳، صص ۳۲۰-۲۹۲
۱۷. حایری یزدی، محمد حسن، وقف در
- فقہ اسلامی، مشهد آستان قدس رضوی ۱۳۸۰، چاپ اول، ص ۴۲۲
۱۸. همان، ص ۴۲۲
۱۹. حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۱۰۴-۱۰۳۳ هـ. ق) وسائل الشیعه، نشر مکتبه الاسلامیه، بی نا، تهران ۱۳۶۵، ج ۱۳، صص ۳۲۰-۲۹۲
۲۰. ملای پور، جواد، وقف سرمایه‌ای ماندگار، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، قم، ۱۳۸۴، صص ۷۳-۷۷